

# نوروز: خاستگاه و آئین ها

نوشته: دکتر ایرج بشیری  
© ۲۰۰۱، ۲۰۱۳، ۲۰۲۳



## فهرست مطالب

### مقدمه

### آمادگی برای استقبال از عید نوروز

سبزه و خانه تکانی

خرید نوروز

خواجه پیروز

### چهارشنبه سوری

قاشق زنی

فال گوش

توپ مرواری

گره گشای

### پیشواز نوروز

شب جمعه

سفره نوروزی

### هفت سین

هفت شین و هفت میم

### ترتیب سفره

### ساعت تحویل

### اعتقادات وابسته به ساعت تحویل

### سبزه به در

### عیدی و هدیه

### سایر جشن ها

تیرگان

مهرگان

سده

### در پایان

### یادآوری ها

### مآخذ



- ۱ - **اهورا مزدا**، پروردگار بزرگ، احاطه کننده آسمان ومدافع بشر در برابر شرّ (اهریمن).
- نماینده اهورا مزدا در روی سفره «**سیر**» است. سیر گیاهی است که ریشه آن درمان بسیاری از بیماری ها می باشد. در روی سفره «**سیر**» در مرکز قرار می گیرد.
- ۲- **وهو منا**، نماینده آب، دوّمین عنصر خلق شده در ترتیب خلقت پس از آسمان است. آب پالایش دهنده وصاف کننده است. نماینده وهومنا در روی سفره «**سماغ**» است.
- ۳- **اسپنتا آرمایتی**، نماینده زمین ونماد فروتنی وخیرخواهی است. نماینده اسپنتا آرمایتی در روی سفره «**سیب**» است.
- ۴- **آشا وهیشتا** نماینده مراتع سرسبز ومزارع حاصلخیز. در روی سفره، نماینده آشا وهیشتا «**سبزه**» است.
- ۵- **خشاترا واریا**، نماینده فرمانروائی منتخب، جوانه زنی حیات در گیاه و حیوان. نماینده خشاترا واریا در روی سفره «**سمنو**» است.
- ۶- **خرداد**، نماینده تمامیت، سلامتی وکمال، نماینده خرداد در روی سفره «**سنجد**» است.
- ۷- **آمرتات**، نماینده هدف خلقت وجاودانگی. نماینده امرتات در روی سفره «**سرکه**» یا روح جاودانه ی شراب استخراج شده از انگور است.

سفره هفت سین

## نوروز: خاستگاه و آئین ها

نوشته: دکتر ایرج بشیری  
© ۲۰۰۱، ۲۰۱۳، ۲۰۲۳

نوروز مجموعه ایست از جشن های ساده با قاعده های منطقی و آئین های خاص. با این وجود، در طول قرن ها، تلاش هائی برای کم رنگ کردن آن قوانین و ارائه تفاسیر نادرست درباره قسمت های مختلف نوروز در جریان بوده است. این مقاله قوانین و آئین های واقعی مربوط به نوروز را مورد بحث قرار می دهد و تاریخچه و انگیزه رقیق کردن قوانین و ارائه تفاسیر ضد و نقیض در ادبیات مربوط به نوروز را بررسی می کند.

### مقدمه

یکی از کهن ترین سنت های ایرانی، نوروز (که به عید سر سال و عید سال نو نیز معروف است) یاد آور دوران کیهانی و اساطیری ایران می باشد.<sup>۱</sup> بنیان گذار نوروز، نایب اهورامزدا در روی زمین است. این مقام به وی و به جشن نوروزی بُعدی معنوی و حسّی خاصّ از اقتدار دنیوی می بخشد.<sup>۲</sup> جشن نو روز با توجّه به پویائی عشق بین خالق و مخلوق او، یعنی جهان مادی، سازماندهی می شود.

در حقیقت، بزرگ داشت نوروز یک رویداد سالانه است که در طیّ آن ارواح درگذشتگان به خانه های خود باز گردانده می شوند. این مراسم توسط فرزندان آنها بر اساس آئین های اولیه برگزار می شود. گرچه امروز تنها اثری کمرنگ از آن آئین ها در میان ایرانیان و پارسی ها<sup>۳</sup> باقی مانده است، گذشت زمان نتوانسته است به هیچ وجه از اهمیت پیوند گسستگی ناپذیری که مردم ایران را در کنار هم نگه می دارد، و در هر نوروز تازه می شود، بکاهد.

واژه «نوروز» ترکیبی از دو کلمه فارسی «نو»، به معنای جدید، و «روز» که هم به معنای روز و هم به معنای زمان به کار برده می شود، می باشد. گاه در گفتار، از نوروز که به معنای «روز نو» می باشد، با عبارت «سال نو» نیز یاد می کنند. آغاز نوروز با اولین روز بهار (معمولاً ۲۱ مارس) مطابقت دارد.<sup>۴</sup> بنابراین، بیست و یکم ماه مارس برابر با اول فروردین، اولین ماه از تقویم شمسی است.<sup>۵</sup>

در ذهن ایرانیان، واژه نوروز تصاویر رنگارنگی را تداعی می کند، تصاویری از تجلّل، تلذذ، طراوت و صمیمیت. اگرچه جشن نوروز دارای رنگ و روی مزدائی و زرتشتی است، ولی به طور کلی، این جشن ماهیت مذهبی، ملی و یا قومی ندارد و ایرانیان یهودی، زرتشتی، ارمنی، کرد، بلوچ، ترک و عرب و همچنین بسیاری از مردم آسیای میانه نوروز را با همان شور و شوق و احساس تعلق جشن می گیرند.<sup>۶</sup> شاید به خاطر همین ماهیت جهان شمول پیام نوروزی و غنای آئین ها و آداب و رسوم ایرانی است، که همگان می توانند به آسانی پیام نوروز را سر چشمه بی نظیر تداوم فرهنگ خود قلمداد کنند.

در ایران باستان، این مراسم در دربار شاه شاهان دارای اهمیت ویژه ای بود.<sup>۷</sup> از میان کسانی که با دربار ارتباط مستقیم نداشتند، مؤبد مؤبدان اولین کسی بود که به درگاه شاه شاهان عرض سلام می کرد.<sup>۸</sup> وی، با جام طلائی پر از شراب در یک دست و مشتی جوانه های سبز در دست دیگر، وارد تالار بزرگ می شد و به تخت پادشاه نزدیک می گردید. خادمی که او را همراهی می کردند، هدایای زیادی از جمله انگشتری و سگه های طلا، شمشیر، تیر و کمان، قلم و دوات، اسب، عقاب و جوانی خوش قیافه به دربار می آوردند. وقتی مؤبد به فضای شاهی می رسید، در فاصله ای مقرّر می ایستاد و مراسم نوروزی را که شامل آرزوی طول عمر و سعادت برای پادشاه و پادشاهی بود، به جا می آورد. سپس شراب را می چشید، با قدم های آهسته به پادشاه نزدیک می شد، دست خود را دراز می کرد و جام شراب را با احترام به دست پادشاه می داد. پس از پایان ادای احترام، به آرامی با دست دیگرش جوانه های سبزه را در دست دیگر پادشاه قرار می داد. در طول این مدت دعای خیر می خواند و برای پادشاه در سال آتی آرزوی خوشبختی، شادی و نشاط می نمود. پس از پایان دعا، کنار می رفت و با حرکتی موزون به خادمان اشاره می تا کرد اقلامی را که به عنوان هدیه آورده اند، در مکان های مقرّر در پیشگاه پادشاه قرار دهند.<sup>۹</sup> آن وقت، به پیروی از رفتار مؤبد، شاهزادگان، فرمانداران، اشراف و بزرگان هدایای خود را به شاهنشاه تقدیم می کردند و پس از آن سایر شاهان، شاهزادگان و نجیب زادگان دربار، مطابق آخرین ادای احترام مؤبد، برای شاه شاهان در سال آینده آرزوی خوشبختی می نمودند. پس از آن، در طول روز مردم، در صفی بی پایان، در برابر شاه شاهان رژه می رفتند و هدایائی را که آورده بودند تقدیم می نمودند.<sup>۱۰</sup>

### آمادگی برای استقبال از عید نوروز

#### سبزه و خانه تکانی

آماده شدن برای نوروز از اوایل اسفند با کاشتن سبزه (عدس، گندم یا جو) و خانه تکانی آغاز می شود. کاشتن سبزه با پیشینه کشاورزی اقوام ایرانی که زندگی شان به تغییر مرتب اقلیم بستگی داشته، ارتباط مستقیم دارد. آن ها این نوسانات پویا را به انواع مختلف و در مواقع معین جشن می گرفتند. خانه تکانی که مستلزم شستن فرش، رنگ آمیزی خانه و نظافت حیاط می شود، ناشی از دغدغه زرتشتیان به نظافت برای دور نگه داشتن شرّ از منبع خوبی ها است.<sup>۱۱</sup> به طور

نمادین، خانه تکانی به ارواح نیاکان نشان می دهد که قوم و خویشانانشان آماده و مایل به پذیرائی از آنها می باشند. به عبارت دیگر، بازماندگان از ارواح دعوت می کنند تا در خانه های قبلی خود فرود آیند و، با تمام شدن روزهای طولانی و سرد زمستان، در نمّ سبزه که منبع اصلی رزق و روزی آنها است، به آن ها یاری دهند.

### خرید نوروز

بعد از کاشتن سبزه و نظافت خانه نوبت به خرید نوروزی می رسد. از ازمنه قدیم، خرید نوروزی امری خانوادگی بوده که بیشتر برای وارد کردن بچه ها در برگزاری جشن انجام می گرفته. در این وقت، در قدیم، همه افراد اندازه گیری می شدند و لباس و کفش کلاه نو برای همه آماده می گردید. علاوه بر این، همانطور که در زیر خواهیم دید، سفره عید نیز به اقلام خاصی مانند شیرینی، نقل، شمع، میوه و آجیل و غیره نیاز دارد که باید در همین زمان تهیه گردد. علاوه بر آنچه خریداری می شود، زنان اهل خانه نیز انواع نان های شیرین می پزند و برای کوچکترها لباس مخصوص می دوزند. در پایان پدر خانواده سری به بانک می زند و سگه های برّاق و نو و اسکناس های تر و تازه برای عیدی دادن تهیه می کند.

### خواجه پیروز

ماهی که جشن های نوروزی در آن برگزار می شود، زمان بسیار فوق العاده ای در زندگی جامعه است. در قدیم، این جنبه از نوروز به قدری برجسته بود که، فردی که در اجرای دستورات اهورامزدا و شش اسپند یا جاویدان های مقدّس، موفّق شده بود، جایگزین شهردار می گردید و برای دوره کوتاهی فرمانروائی قلمرو را به دست می گرفت. یکی از وظایف مخصوص خواجه پیروز آن بود که مطمئن شود همه اهل قلمرو برای شادکامی از امکانات رفاهی کامل برخوردار هستند.

پس از سقوط ایران به دست اعراب، که از واگذاری حکومت به دشمنان شکست خورده اباء داشتند، نه تنها مقام خواجه پیروز تنزل یافت، بلکه عنوانش نیز معرّب شد و به صورت امروزی «حاجی فیروز» درآمد. در حقیقت، تنها چیزی که از آن مجموعه پیچیده ی اجتماعی باقی ماند، تحریک به خنده و فراهم نمودن اوقات خوش بود و بس. امروز، «حاجی فیروز» نمایشی بیش نیست. او و گروه نوازنده هایش، در هفته های آخر سال، قبل از عید نوروز، پیدا می شوند و خیابان ها و کوچه های سراسر کشور را با رقص و شادی و نشاط پر می کنند.



«حاجی فیروز» که به عنوان منادی سنتی نوروز شناخته می‌شود، شخصیتی لاغر اندام و سیاه چهره است که لباس های قرمز روشن، کلاه نمدی و گیوه های نوک تیز می پوشد، تنبور می‌زند و می خواند: «حاجی فیروزه، سالی روزه!» مردم از هر سنتی دور او و گروه نوازنده اش جمع می شوند و به نواختن طبل، ساز یا کمانچه گروه گوش می دهند و از رقصیدن آن ها لذت می برند. کسانی که تحت تأثیر اجرای این گروه نمایشی قرار می گیرند، کلاه «حاجی فیروز» را با سگه و اسکناس پر می کنند.

اغلب ایرانیان مرفه «حاجی فیروز» و گروه خنیاگانش را به خانه هایشان دعوت می کنند تا برای همسران و دخترانشان که در غیر این صورت تار و تنبور زدن «حاجی فیروز» در خیابان ها را نمی بینند، برنامه اجرا کنند. در اینجا، گروه «حاجی فیروز» موسیقی محلی رایج می نوازند و انواع مختلفی از برنامه های طنز و شوخی اجرا می کنند. در پایان اجراء، گروه به یک مهمانی نوروزی مخصوص دعوت می شوند و، در پایان، میزبان با انعام قابل توجهی از زحمات آن ها قدردانی می کند.

اخیراً چهره سیاه شده «حاجی فیروز» باعث نگرانی شده است. برای مثال، محمدرضا جوادی یگانه، معاون اجتماعی و فرهنگی شهردار تهران در تاریخ ۱۱ فروردین ۱۴۰۰ اعلام کرد که به دلیل انتساب موضوعات نژاد پرستانه به «حاجی فیروز»، شرکت «حاجی فیروز» در کارناوال ها و سایر مراسم ممنوع است. (نگاه کنید به «حاجی فیروز» در ویکی پدیا ( <https://fa.wikipedia.org/wiki/> ). گفتگو درباره محتویات این اطلاعیه مستلزم بحثی طولانی در مورد عدم وجود برده داری و مسائل نژادی در ایران باستان می باشد، که از حوصله این مقاله کوتاه خارج است.

### چهارشنبه سوری

مراسم واقعی نوروز در آستانه آخرین چهارشنبه سال خروجی آغاز می شود. در اوایل غروب آن روز که به چهارشنبه سوری یا "چهارشنبه سرخ" معروف است، چندین آتش نسبتاً بزرگ فراهم می شود. اعضای خانواده یکی یکی از روی آتش می پرند و می گویند: «سرخی تو از من، زردی من از تو» یعنی ای آتش، سرخی خودت را به من بده و رنگ زرد زمستانی من را از من بگیر! پس از پریدن از روی آتش، یک گردهمائی تشکیل می شود که در آن آجیل و میوه صرف می شود. این مهمانی بیشتر به خاطر فرزندان خانواده است. آن ها در طول این شب به داستان هائی گوش می دهند که تا مدت ها در خاطرشان می ماند و شاید در طول زندگی برایشان شادی و نشاط می آورند.<sup>۱۲</sup>



در دوام مهمانی، آتش خاموش می شود. میزبان خاکسترها را جمع می کند و به عنوان نماد بد شانسی تحمیلی زمستان آن را از خانه به بیرون می فرستد تا در مزرعه دفن گردد. وقتی کسی که خاکسترها را دفن کرده برمی گردد و در می زند، کسانی که در خانه هستند می پرسند:

«کیست؟»

آن شخص می گوید: «من هستم.»

«از کجا می آئی؟»

«از عروسی.»

«با خودت چی آورده ای؟»

«شادی و نشاط.»

آن وقت در باز می شود و منادی زندگی جدید، که چشم بد را از خود و دیگران دور کرده، وارد خانه می شود.

در فرهنگ باستانی ایران، آتش از اهمیت ویژه ای برخوردار است. آتش چهارشنبه سوری می تواند علامتی باشد که برای ارواح درگذشتگان افروخته می شده تا آنها را به خانه های قبلی خود هدایت کند تا از شنیدن دعاهائی که فرزندانشان برایشان می خوانند برخوردار گردند. شاید سنت روشن کردن آتش بر روی پشت بام خانه ها نیز مربوط به همین موضوع مشخص و قابل مشاهده نمودن اماکن برای ارواح درگذشتگان بوده باشد. (نگاه کنید به جشن «سده» در زیر)

در دهه های اخیر تلاشی برای متوقف کردن جشن چهارشنبه سوری شروع شده است. پیشنهاد کنندگان این تغییر استدلال می نمایند که آتش بازی، وبه طور کلی بازی با آتش، باعث صدمات زیادی شده است. البته این حرف درستی است. اما جشن چهارشنبه سوری نه تنها سنتی دیرینه و آغازگر کل مراسم جشن نوروز است، بلکه، همانطور که در مقاله نشان داده شده است، پوششی است برای تعدادی دیگر از رویدادهای مرتبط با جشن نوروز. مخالفت با چهارشنبه سوری عمیق تر از آن است که به نظر می آید. برخی از رهبران کنونی ایران چهارشنبه سوری را عملی فاسد و برای اقتصاد کشور زیان آور می دانند. برخی دیگر آن را به عنوان یک سنت خرافی، حرام و عملی مغایر با عقل و شرع تشخیص می دهند. در کل فکر می کنند چهارشنبه سوری شایسته ملت ایران نیست. بر اساس ارزیابی آنها، دشمنان ایران سنت های ملی مانند عید نوروز و چهارشنبه سوری را برای کم اهمیت جلوه دادن مظاهر دینی در جامعه بالا می برند (رجوع کنید به <https://fa.wikipedia.org/wiki/>). در عین حال، مطابق معمول سنواتی، همین رهبران، رویدادهای مذهبی را به جشن های ملی ترجیح می دهند وبه ترویج آن ها می پردازند.

به جای برچیدن چهارشنبه سوری، شاید باید تولید مواد آتش زا و استفاده از آتش بازی مدیریت یا منع شود. آتش چهار شنبه سوری آتشی است که باید همه اعضای خانواده بتوانند به راحتی از روی آن بپرند. علاوه بر این تربیت جمع وظیفه بزرگان خانواده و مسئولین امر است. تحریم چهارشنبه سوری (یعنی نفی بخش آغازگر مراسم نوروزی)، راه حل مناسبی نیست.

## قاشق زنی

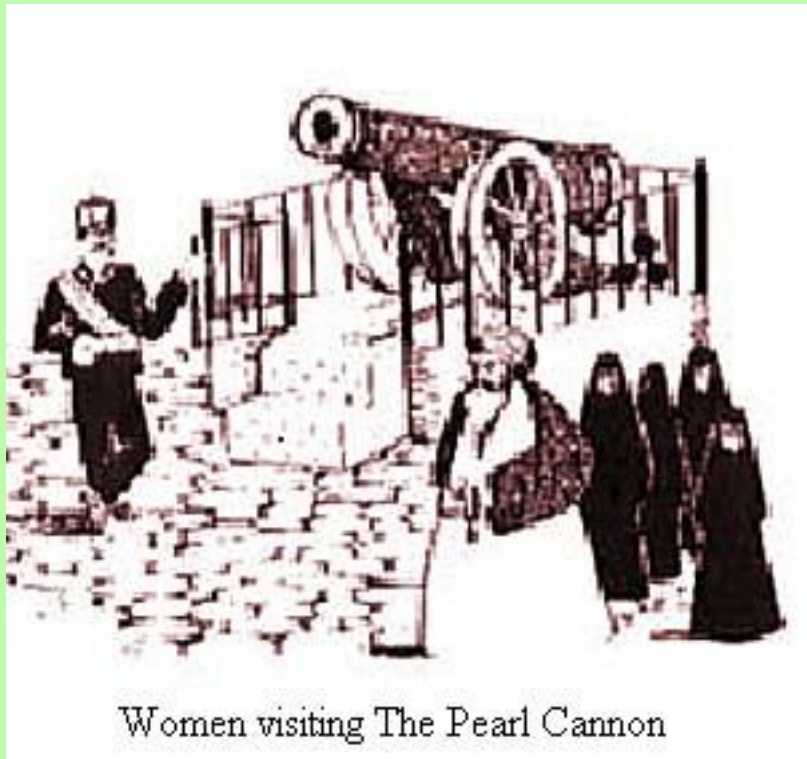
یکی دیگر از جنبه های چهارشنبه سوری قاشق زنی است که شباهت بسیاری به «هالوین» دارد. کودکان، معمولاً در معیت بزرگ ترها، با لباس مبدل به دیدن همسایه ها می روند. وجه استتار آن ها معمولاً چیزی شبیه چادر است که تمام بدنشان را می پوشاند. هر یک از اعضای گروه یک کاسه فلزی خالی و یک قاشق فلزی به همراه دارد. در جلو خانه همسایه، قاشق ها را به کاسه وبه در خانه می زنند. همسایه در را باز می کند ودر کاسه هر بازدید کننده مقداری خوراکی می گذارد. سپس گروه به خانه بعدی می رود. قاعدتاً، اعضای گروه باید در طول فرآیند ساکت باشند وناشناس بمانند. اغلب پسران ودخترانی که در غیر این صورت فرصتی برای دیدن یکدیگر ندارند، در آستانه در به ملاقات یکدیگر نائل می شوند.<sup>۱۳</sup>

## فال گوش

یکی دیگر از جنبه های جالب تر فرهنگی جشن چهارشنبه سوری، اجرای فالگوش توسط دختران و زنان جوان مجرد است. برای این کار دختران و زنان مجرد در گوشه و کنار کوچه های تاریک با هم قایم می شوند و به صحبت های عابران گوش می دهند. محتویات اولین جمله مکالمه ای که بین عابرین رد و بدل می شود به عنوان یک پیشگویی خیر یا شرّ برای آینده به حساب می آید. به عنوان مثال، اگر دختر جوانی که امیدوار است در طول سال آینده ازدواج کند، این جمله را بشنود: «هیچ عاقلی چنین پیشنهادی را رد نمی کند...» از خوش حالی در پوست خود نمی گنجد. برعکس، اگر او چیزی شبیه این بشنود: « فکر می کنید تلاش نکردیم؟ مثل حرف زدن با یک دیوار آجری بود...» کاملاً ناامید می شود.

### توپ مرواری

توپ مرواری توپ بزرگی بود که در ارگ تهران نگهداری می شد. توپ که با انواع مختلف مرواری تزئین شده بود را در شب چهارشنبه سوری از ارگ بیرون می آوردند. زنان تهرانی که آرزوی ازدواج در سال آینده را داشتند، به امید برآورده شدن آرزویشان، سوار توپ می شدند و در زیر آن راه می رفتند.<sup>۱۴</sup>



Women visiting The Pearl Cannon

کسانی که مشکلی دارند که راه حلّی ندارد، اغلب اولین رهگذری که از مسیرشان عبور می کند را متوقّف می کنند و از او می خواهند که گرهی را که در یک پیراهن زده اند، باز کند. تمایل یا عدم تمایل رهگذر غریب به بازکردن گره، نویدی برای وجود راه حلّی برای مشکل آن ها در سال آینده خواهد بود.

### پیشواز نوروز

باز یکی دیگر از جنبه های جشن چهارشنبه سوری، پیشواز نوروز است. برای انجام این جنبه، خانواده چندین سگّه کم بها (پول سیاه)، یک تکه زغال، چند دانه اسفند، و یک تکه سنگ نمک را در یک کوزه آب سفالی نو قرار می دهند و در حال پر کردن کوزه، می گویند: «درد و بدبختی های ما در کوزه!» سپس کوزه را به پشت بام برده و محتویات آن را از لبه پشت بام به خیابان پرتاب می کنند. و در هنگام پرتاب محتویات می گویند: «درد و بدبختی های ما در خیابان!» این اقدامی پیشگیرانه است، چون عقیده بر این است که، در طول سال آینده، اقلام موجود در کوزه می توانند هر گونه تلاش شیطان برای آسیب رساندن به خانواده را خنثی کنند. اغلب، آب نیز به محتویات توی کوزه اضافه می شود تا به جذب سریع تر شرّ در خاک کمک کند.

### شب جمعه

شام پنجشنبه قبل از عید نوروز باید حتماً شامل پلو و مرغ باشد. انجام این آئین اطمینان می بخشد که در سال آینده خانواده حداقلّ یک بار در هفته شام مشابهی خواهد خورد.

### سفره نوروزی

چند روز مانده به فرا رسیدن نوروز، سفره ای نسبتاً بزرگ و به رنگ سفید در کف اتاق اصلی خانه پهن می کنند و اقلام زیر را روی آن می گذارند:<sup>۱۵</sup>



○ شمع های روشن، نمایانگر خوبی و گرمی ای که با آمدن بهار وارد زندگی شده، و همچنین از بین رفتن شری که جهان را در چنگال سرد خود نگه داشته بوده. اگر جشن در محیطی باز انجام می گیرد، یک آتش باز می تواند جایگزین شمع ها گردد. اگر از شمع استفاده می شود، تعداد شمع ها باید با تعداد فرزندان خانواده یکی باشد. اغلب همراه هر شمع یک تخم مرغ نیز در سفره گذاشته می شود. لازم به ذکر است که شمع های روی سفره باید تا آخر بسوزند. فوت کردن شمع ها بد شانسی می آورد.



○ بسته به دینی که خانواده به آن تعلق دارد، نسخه ای از قرآن یا/اوستا (کتاب مقدس زرتشتیان) یا/انجیل یا تورات در مکان برجسته ای بر روی سفره گذاشته می شود. کتاب مقدس تازه کننده پیوند بین مؤمنان و پروردگار، منبع خیر و نور می باشد.



«هفت سین» یا هفت چیز خوراکی که نام آنها در فارسی با حرف شروع می شود. این اقلام را در یک سینی می گذارند و یا به طور خاصی هم روی سفره قرار می دهند. اقلام خوراکی که معمولاً برای انتخاب سین» از آن ها استفاده می شود، عبارتند از: سیب، سماق، سیر، سمنو،



«س»  
در کنار  
«هفت

سنجد، سوهان، سیاهدانه، سرکه و سنگک و مانند آن.<sup>۱۶</sup> اغلب غیر خوراکی هائی مانند سگه، سنبل، اسپند، سپستان، سماور، ساعت یا سبزه را جایگزین می کنند. همانطور که خواهیم دید، هفت «سین» به طور نمادین نشان دهنده اهورا مزدا و شش مقدس نا میرائی است که به اهورا مزدا کمک می رسانند تا امور انسان را مطابق با نظم اهورائی تنظیم کند. و هر یک از اقلام معنای خاصی خود را دارد. امروزه، چنانکه از مطالب زیر برمی آید، نظرات مختلف مراجع تقلید، مجموعه ای از تعابیر بی ربط برای هر یک از هفت سین «هفت سین»، چه آن ها که واقعی هستند، و چه آن ها که جعلی، ایجاد کرده اند:

- سمنو: شیرینی، باروری، دارای کودکان بسیار شدن
- سنجد: عشق
- سیر: داروی بهبودی یافتن از شرّ
- سیب: سلامت، زیبایی طبیعی، عطر
- سماق: رنگ خورشید در هنگام طلوع آفتاب
- سرکه: سنّ و صبر. دافع تلخی در زندگی
- سبزه: پاکی، جلال و نیک بختی<sup>۱۷</sup>

این موارد را هیچ مرجع خاصی تأیید نکرده است و مبتنی بر هیچ تحلیل کلی از ارزش‌های الهیاتی و/یا کیهان شناختی که ایرانیان باستان ممکن است برای آنها داشته باشند، نیستند. با این وجود عموم مردم از این تفاسیر پیروی می‌کنند. مثلاً، تفسیر مناسبی از سگّه در این زمینه جز ثروت و رفاه چه چیز دیگری می‌تواند باشد؟ از قضا این یکی از «س» هائی است که درست بعد از تحویل سال به ثمر می‌رسد. منظور سگّه هائی است که پدر سالار خانواده (پدر بزرگ یا پدر) بین اعضای خانواده توزیع می‌کند.<sup>۱۸</sup> سؤال این است که آیا این عمل سخاوت مندانه به خودی خود می‌تواند یکی از «موردهای» «هفت سین» را تشکیل دهد؟

علاوه بر این، گفته می‌شود که در زمان جاهلیت، «هفت سین» می‌توانسته است «هفت شین»، شامل: شیر، شکر، شهد، شربت، شانه، شراب و شمع بوده باشد. عقیده بر این است که «ش» به «س» تبدیل شده است تا از شراب، که در اسلام حرام است، استفاده نشود. با توجه به آزادی در تغییر هر یک از اقلام «هفت سین»، به هر شکلی، چرا نتوانستند آن یک مورد را نیز با مورد دیگری که با «شین» شروع می‌شود جایگزین کنند؟<sup>۱۹</sup>

روایات دیگر «هفت سین» یا «هفت شین» را به هفت سینی که با هفت غذای لذیذ، یا هفت دانه مختلف در حال رشد، یا هفت نوع آجیل که به پادشاه تقدیم می‌شده، مربوط می‌کنند. برخی دیگر «هفت سین» را زندگی، تندرستی، شادی، فراوانی، شادی و زیبایی تعبیر می‌کنند که همگی با هم هفتمین «س» سفره را تشکیل می‌دهند که طبق روایات زرتشتی نماد حقیقت است.

برخی دیگر معتقدند که در حالی که اولین سینی اهورامزدا خالی بود (حقیقت ترکیبی از چیزهائی است که هیچ ماده ای از خود ندارد)، شش سینی دیگر پر از گل، شکر، شیر، پنیر، ماست، کره، خامه، تخم مرغ، آب، آئینه، شمعدان، زغال سوخته، نقره و طلا بوده. بر اساس این اعتقاد، این اقلام نمایانگر حقیقت، پندار نیک، فرمانروائی، تقوا، سعادت، جاودانگی و اطاعت است.<sup>۲۰</sup>

کسانی که عید نوروز برایشان یک مسئله جدّی است، هیچ یک از موارد ذکر شده در بالا، و یا مواردی که در زیر آورده می‌شوند، را برای قرار دادن روی سفره «هفت سین» خود انتخاب نمی‌کنند: سنبل، سگّه، سماور، سیخ، سه پایه، سرو، سنتور، سنگک، سوهان، ساعت، و غیره.

دلایل متعددی برای این که چرا این اقلام به عنوان بخشی از «هفت سین» بر روی سفره نوروز ظاهر می‌شوند وجود دارد. مثلاً، یکی از موارد لازم به راحتی در دسترس نیست و به طور سنتی، یکی از این اقلام به طور ناخواسته جایگزین آن مورد می‌شود. این بیشتر زمانی

رخ می دهد که نوروز در خارج از مکان اصلی خود، ایران، یعنی جایی که تمام اقلام «هفت سین» در آن به وفور یافت می شود، جشن گرفته می شود. دلیل دیگر کم رنگ کردن، و عاقبت بی بها جلوه دادن این جشن باستانی در دید حامیان آن می باشد (نگاه کنید به پائین).

### هفت سین

دلیل این که چرا کسانی که نوروز را جدی می گیرند اکثر موارد برشمرده در بالا را انتخاب نمی کنند، این است که آن موارد حائز پنج شرط لازم برای پذیرش اقلام «هفت سین» نیستند. آن الزامات عبارتند از:

- ۱- مورد باید با حرف "سین" شروع شود  
این ساده ترین نیاز است و اولین چیزی است که همه مردم درباره «هفت سین» می دانند. در واقع، این معیاری است که در تمام موارد ذکر شده در بالا صادق است.
- ۲- مورد انتخاب شده باید بخشی از فرهنگ ایرانی باشد  
مثلاً سنبل عربی است، سماور روسی است، و غیره. آنها شرایط شماره ۲ را برآورده نمی کنند.
- ۳- مورد باید خوراکی باشد
- ۴- مورد باید منشاء گیاهی داشته باشد  
به عنوان مثال سرو منشاء گیاهی دارد اما نیاز شماره ۳ را برآورده نمی کند.
- ۵- مورد نباید اسم مرگب باشد. بنابراین سیب زمینی یا سبزی پلو قابل قبول نیستند.

البته این ها محدودیت های آشکار هستند. الزامات اساسی تری در بطن «هفت سین» نهفته است که باید با دقت در نظر گرفته شوند. آن ها محدودیت های فرهنگی هستند که به وسیله دین باستانی ایران تحمیل می شوند. در واقع، ایرانیان باستان، در وهله اول، «هفت سین» را به خاطر همین لزومات فرهنگی/دینی به وجود آوردند و محور مهم ترین جشن سالانه خود قرار دادند. با یاری این هفت «س» بود که آن ها، در آن روز فرخنده، از اهورا مزدا و شش مقدس نامیرا در خانه های خود پذیرائی می کردند. مولانا جلال الدین رومی در شعر زیر درباره «هفت سین» می گوید:

رو سینه را چون «سین» ها  
هفت آب شوی از کین ها  
وانگه شراب عشق را  
پیمان شو پیمان شو!

هفت «سینی» که مولانا از آنها صحبت می کند همان اهورامزدا، پروردگار حکیم و جاویدان های مقدس نامیرای او هستند که ایرانیان باستان آن ها را پرستش می کردند، به مناسبت عید نوروز مورد استناد قرار می دادند و در روی سفره نوروزی، برجسته ترین مکان را به آن ها می دادند. تفسیر ایرانیان باستان از «هفت سین» از این قرار بود:

۱ - **اهورا مزدا**، پروردگار بزرگ، احاطه کننده آسمان ومدافع بشر در برابر شرّ (اهریمن).

نماینده اهورا مزدا در روی سفره «**سیر**» است. سیر گیاهی است که ریشه آن درمان بسیاری از بیماری ها می باشد. در روی سفره «**سیر**» در مرکز قرار می گیرد.

۲- **وهو منا**، نماینده آب، دوّمین عنصر خلق شده در ترتیب خلقت پس از آسمان است. آب پالایش دهنده وصاف کننده است. نماینده وهومنا در روی سفره «**سماغ**» است.

۳- **اسپنتا آرمایتی**، نماینده زمین ونماد فروتنی وخیرخواهی است. نماینده اسپنتا آرمایتی در روی سفره «**سیب**» است.

۴- **آشا وهیشتا** نماینده مراتع سرسبز ومزارع حاصلخیز. در روی سفره، نماینده آشا وهیشتا «**سبزه**» است.

۵- **خشاترا واریا**، نماینده فرمانروائی منتخب، جوانه زنی حیات در گیاه و حیوان. نماینده خشاترا واریا در روی سفره «**سمنو**» است.

۶- **خرداد**، نماینده تمامیت، سلامتی وکمال، نماینده خرداد در روی سفره «**سنجد**» است.

۷- **آمرتات**، نماینده هدف خلقت وجاودانگی. نماینده آمرتات در روی سفره «**سرکه**» یا روح جاودانه ی شراب استخراج شده از انگور است.

این هفت «سین»، که آزمون پنج شرط قرار گرفتن بر سفره را پس داده اند، نمی توانند هشتمی داشته باشند، زیرا به جز اهورا مزدا وشش مقدّس نامیرای وی، هیچ فرشته قابل قبول دیگری در پانتئون خدایان ایران باستان وجود ندارد.

### هفت شین و هفت میم

همان طور که در بالا ذکر شد، در برخی محافل بر این باورند که پس از تسخیر اعراب حرف «سین» جایگزین حرف «شین» شده است. این باور تاریخیچه مخصوصی دارد که از حوصله این نوشتار خارج است. آن چه می توان به اختصار گفت این است که پس از انقراض دین زرتشتی در قلمرو ایران، سیاستی نانوشته به اجرا درآمد که تمامی میراث فرهنگی ایران را در بر می گرفت. تأکید این سیاست بر این بود که تمام جشن های کهن ایرانیان تدریجاً به بوته فراموشی سپرده شوند. در نتیجه این سیاست، حلّ و فصل ارجاعات به میراث فرهنگی ایران به اربابان مسلمان، به ویژه شخصیت های برجسته مذهبی، سپرده شد تا توضیحات لازم را فراهم آورند. بنابراین توضیحات ارائه شده به گونه ای زمینه سازی می شدند، و هنوز هم می شوند، که هم با مبانی دینی مطابقت دارند و هم برای عامه مردم قابل فهم و قابل قبول هستند. اغلب جزوه هائی نیز برای توضیح موضوعات مشکل تر ارائه می شد و در مواردی نیز از ادبیات، اکثراً از شعر (غزل یا رباعی)، کمک گرفته می شد. مورد زیر یکی از همین توضیحات است:

جشن نوروز از زمان کیان<sup>۲۲</sup>

می نهادند مردم ایران

شمع و شیر و شراب و شیرینی





شکر و شهد و شایه<sup>۲۳</sup> اندر خان.<sup>۲۴</sup>

این شعر توضیح می دهد که در اصل «هفت سین»، «هفت شین» بوده است. اما چون اسلام شراب خواری را بر نمی تابد، پس از فتح مسلمانان، «هفت شین» به «هفت سین» تبدیل شده است. از نظر منطقی، این تعبیری بسیار درست و به جا به نظر می رسد. تنها اشکال در این است که اولاً موارد ذکر شده شامل عناصر هفتگانه معرفّ ایزدان باستانی ایران، که بحث آن ها در بالا رفت، نیستند و ارتباطی با «س» های «هفت سین» ندارند. ثانیاً واژه های به کار رفته در شعر، واژه های رایج در ایران باستان نیستند. به عنوان مثال، در ایران باستان، به جای واژه «شراب» از واژه «باده» استفاده می شده. به همین ترتیب، به جای واژه «شمع»، واژه «اسپندر» به کار می رفته است. ریشه شناسی کلمات به کار رفته در شعر نشان می دهد که شعر جز تلاشی برای توضیح یک پدیده پیچیده ایرانی در لفافه یک توضیح منظوم اسلامی، به نحوی که در بالا توضیح داده شد، نیست. همچنین نشان می دهد که برخلاف مولانا جلال الدین رومی که از ماهیت دقیق «س» های «هفت سین» آگاهی داشت، این شاعر هیچ سرنخی از منشاء جشن نوروز، سفره نوروز و «هفت سین» نوروزی ندارد. علاوه بر «هفت شین»، نام دیگری نیز وجود دارد که بر حسب آن از هفت «میم» استفاده می شود. بعضی اقلام ذکر شده برای هفت میم عبارتند از: میوه، ماهی، مرغ، مَرَبَا، و غیره.

البته این نمونه نادری از دخالت در روند آرام جشن نوروز نیست. همانطور که از بحث در مورد جنبه های مختلف نوروز مشهود است، سیاست نانوخته ای که در بالا ذکر شد، در مقیاس قابل توجهی سردرگمی درباره جشن نوروز ایجاد کرده است. ولی جنبه ای که بیشتر از همه تحت تأثیر قرار گرفته همین «هفت سین» است. علیرغم این واقعیت که هفت مورد خوراکی مربوط به آن به راحتی در دسترس، و توضیحات درباره آن ها ساده است، فردی که می خواهد سفره ای فراهم کند، نه تنها با مجموعه ای از اقلام ساختگی روبرو می شود، بلکه هر کدام از آن اقلام ساختگی خود تعدادی تفسیرهای جعلی ضدّ و نقیض به همراه دارند.

### ترتیب سفره

اقلام زیر سفره نوروز را تزئین می کنند:

- آئینه ای رو به بالا با یک تخم مرغ آب پز ساده در وسط آن. 
- یک کاسه آب زلال که در آن یک نارنج و یک برگ بوته گل سرخ شناور است. 
- ماهی قرمز زنده در یک کاسه آب شفاف. 
- سبزه با یک روبان قرمز دور تا دور و یک پرتقال در مرکز آن. 

نمادهائی از منابع دیگر که حافظ زندگی در روی زمین هستند، مثلاً محصولات از قلمرو حیوانات مثل پنیر و ماست؛ از قلمرو گیاهان مانند آرد، سبزیجات، برنج؛ و از قلمرو آب ماهی و مانند آن.

- انار و بید بیدمشک. به خصوص بیدمشک که هم زمان با سال نو شکوفا می شود. ۲۵
- یک آئینه راسته، تخم مرغ های رنگین، کلوچه و انواع میوه و شیرینی، آب نبات و آجیل.

### ساعت تحویل

ساعت تحویل ساعتی است که در طی آن سال قدیم پایان می یابد و سال نو فرا می رسد. در واقع می توان گفت، در طول سال، ساعت تحویل یکی از مهمترین لحظه ها در زندگی هر خانواده ایرانی است. این لحظه فرصتی به دست می دهد تا افراد خانواده از قصورهای گذشته یکدیگر چشم پوشی کنند، از درگیری های کوچک که ممکن است به نزاع تبدیل شوند آگاهی یابند و روابط سازنده تری برای آینده خود به وجود آورند. از همه مهم تر، این لحظه ای است

که با طنین صدای شلیک توپ در میدان، سخنرانی رهبر کشور، و پخش آهنگ هنرمندی محبوب اعلام می شود و تخم مرغ روی آئینه می غلتد.

درست قبل از تحویل سال، همه اعضای خانواده با لباس های نو و با در دست داشتن سگه ای نو، برای خوش شانسی، دور سفره «هفت سین» جمع می شوند و آرام و صبورانه، به تماشای تخم مرغ سفید روی آئینه می پردازند. هر کدام در ذهن خود، در اقیانوس زمان، گاو ماهی بزرگی را تصویر می کنند که جهان را بر روی یکی از شاخ های خود حمل می کند. هر لحظه، ممکن است گاو ماهی دنیا را از آن شاخ به روی شاخ دیگری پرتاب کند. لرزشی که در اثر این تبادل رخ می دهد تخم مرغ روی آئینه را از جا می کند و به سمت کنار آئینه روانه می کند.

به محض حرکت تخم مرغ، اعضای خانواده، سرشار از شادی، یکدیگر را در بغل می گیرند و می بوسند، و می گویند: «عید شما مبارک!» کمی بعد هدایا مبادله می شوند و بچه ها برای دیدن بزرگترهای فامیل و همسایه ها خانه را ترک می کنند.<sup>۲۶</sup> بزرگ تر ها نیز به دید و باز دیدهای خود می پردازند.

قاعدتاً پدرسالار خانواده در خانه می ماند تا کوچکترها و آن هائی که در درجه های پائین تر از وی هستند بتوانند به دیدنش بیایند و ادای احترام کنند. پدرسالار در روزهای آخر تعطیل به باز دید کسانی که به دیدنش آمده اند می پردازد. باز دیدها کوتاه هستند و شیرینی و چای از جمله اقلامی هستند که بیشتر مورد استفاده قرار می گیرند. دور دید و باز دیدها ممکن است تا سیزده روز طول بکشد. عدم شرکت در دید و باز دید عید، یک نوع کدورت شخصی تلقی می شود که سعی می شود در طی ایام نوروز برطرف گردد.

### اعتقادات و ابسته به ساعت تحویل

چند عقیده مربوط به ساعت تحویل جالب هستند. به عنوان مثال، اولین چیزی که باید خورده شود تخم مرغ است. اعتقاد بر این است که تخم مرغ خوشبختی را تضمین می کند. در واقع، در برخی روایات، پدرسالار خانواده باید تمام تخم مرغ هائی که همراه شمع ها برای هر فرزند روی سفره گذاشته شده اند را، بخورد! اولین کسی که بعد از ساعت تحویل وارد خانه می شود، روال خوبی یا بدی ای که در سال آینده ممکن است دامن گیر خانواده بشود را، تعیین می کند. اغلب، یکی از اعضای خانواده که دارای برکت خوشبختی است از خانه بیرون می رود تا بعد از تحویل سال اولین باز دید کننده بشود. همچنین چیزهائی که وارد خانه می شوند، به ویژه رنگ آنها، پتانسیل تأثیرگذاری بر روند آینده خانواده را دارند. عقیده بر این است که رنگ سفید خوش شانسی می آورد و رنگ سیاه با غم و اندوه و نزاع مرتبط است. حتی مکانی که فرد در ساعت تحویل در آن است، از این جهت که ممکن است وی در تمام مدت سال آینده در آن مکان، یا محل مشابهی، گیر بیفتد، حائز اهمیت است. بنابراین، افراد سعی می کنند در حوالی مدارس، ادارات و بازار نباشد.

### سیزده به در

مراسم نوروزی در سیزدهمین روز از اولین ماه سال نو به پایان می رسد. در آن روز تقریباً همه مردم (به جز دزدها!)، خانه های خود در شهر و روستا را ترک می کنند و سیزده بدر را در حومه شهر سپری می نمایند و از آب و هوای تازه بهاری لذت می برند. اکثر آن ها، سبزه ای که روی سفره گذاشته بودند را همراه خود به خارج از شهر می برند و در آب روان می اندازند. امیدوارند که سبزه همه گناهان و دغدغه های سال گذشته آن ها را با خود ببرد، و آن ها بتوانند سال نو را در روز چهاردهم ماه با لوحی تازه آغاز نمایند.<sup>۲۷</sup>



برخی از روستائیان سبزه را به جای انداختن در آب جاری در مزرعه خود می کارند. باید خاطر نشان کرد که در آن روز نباید به سبزه دیگران دست زد. قبل از انداختن سبزه، دختران در سن ازدواج و زنان مجرد، تیغه های سبزه را به هم گره می زنند و می گویند: «سال دیگه، خونه ی شوهر، بچه در بغل!»

در دهه های اخیر، تلاشی برای تغییر نام «سیزده بدر» به «روز طبیعت» در جریان است. درست است که برای سیزده بدر مردم به دشت و صحرا رو می آورند، اما هدف واقعی در آن روز جشن گرفتن طبیعت نیست، هرچند لذت بردن از طبیعت بخشی از آن است، بلکه هدف دفع شرّ زمستان و استقبال از آینده ای سرشار از شادی است. از آن مهم تر، همان طور که چهارشنبه سوری جشن های نوروزی را آغاز می کند، سیزده بدر به آن ها پایانی طبیعی و درخور می بخشد. در طول قرن ها، این رابطه تنگاتنگ بین چهارشنبه سوری، نوروز و سیزده بدر موقوف ساختن آن جشن ها را ناممکن ساخته است. آیا تغییر نام سیزده بدر به نامی عادی مانند «روز طبیعت» راه را برای از میان برداشتن این بخش از نوروز باز نمی کند؟ و آیا نمی توان، بدون لزوم به ارائه هیچ دلیل و برهانی، رویدادی مثل روز طبیعت را مانند بسیاری از رویدادهای جدید دیگر متوقف کرد و کنار گذاشت؟

### عیدی و هدیه

گاه باز دیدهای نوروزی شامل تبادل هدایا می شوند. البته، مبادله هدایا نباید با عیدی (هدیه سال نو) که، بسته به شرایط می تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد، اشتباه شود. معمولاً، سرپرست خانه مقداری سگه یا اسکناس نو با ارزش معین به اعضای خانواده خود، یا به بازدید کنندگان، به عنوان عیدی اهداء می کند. سگه ها ممکن است طلا، نقره یا برخی ساختار های خاص این فلزات باشند. در روز نوروز، می توان یک بازی کوچک «شکار پول» برگزار کرد.

برای این بازی، که بسیار شبیه یافتن تخم مرغ «عید پاک» در علف ها است، پول را در زیر لبه های فرش در اتاق های مختلف خانه قایم می کنند.

همان طور که گفته شد، بازدیدکنندگان نوروزی در روزهای آغازین جشن، کودکان و نوجوانان هستند. آنها به نشانه احترام به دیدار اعضای بزرگتر می روند. به طور مشابه، در همین زمان، کارمندان از رؤسا و مدیران خود بازدید می کنند. دلیل عدم مراجعه معمولاً از وجود کدورت بین شخصی که از دید و بازدید خود داری می کند و دیگران تلقی می شود.

بازدیدکنندگان هیچ گونه هدیه ای با خود نمی آورند اما ممکن است هدیه ای دریافت کنند. باز، همان طور که گفته شد، در پایان جشن دوازده روزه نوروز، بزرگترهای خانواده به دیدار اعضای کوچکتر می روند. این بازدید ممکن است شامل هدایایی باشد، معمولاً هدایای بزرگتر مانند فرش و ماشین به عنوان عیدی داده می شود. رؤسا و مدیران اغلب ترفیع کارمندان را به تعویق می اندازند تا به مناسبت عید نوروز عیدی درخوری به آن ها بدهند.

در دوران معاصر، برخی از رفت و آمدهای نوروزی به مهمانی گسترش یافته اند و بعضی از این مهمانی ها به صورت محلی و اشتراکی صورت می گیرند. مثلاً برخی از اعضای جامعه یک مهمانی نوروزی سازماندهی می کنند و برای غذا و نوشیدنی هزینه می گیرند. سایر مهمانی های مشابه از مهمانان به عنوان "عضو" خانواده استقبال می کنند. در حالت دوم، مناسب است که مهمان هدیه ای با خود ببرد. هدایایی که داده می شود معمولاً شامل قنادی ها، مخصوصاً «گز اصفهان» یا «سوهان قم» است، اما محدود به آن نمی شود. لازم به گفتار است که این شیرینی ها در خانه تهیه نمی شوند، ولی در اکثر شهرهای بزرگ می توان آن ها را از فروشگاه های تخصصی ایرانی تهیه نمود. انواع دیگر چنین هدیه هائی شیرینی، پسته، خشکبار و میوه جات، کتاب، گل، و در خارج از ایران، مشروب می باشد.

### سایر جشن ها

ایرانیان باستان علاوه بر نوروز، جشن های دیگری نیز برگزار می کردند که از میان آن ها سه جشن، به ویژه در شهرها و روستاها، نسبتاً پر جنب و جوش باقی مانده است. این سه جشن عبارتند از تیرگان، مهرگان، و سده.

### تیرگان

پس از جشن نوروز، تیرگان اولین جشن از سه جشنی است که برپا می شود. به طور سنتی، ایرانیان باستان برای برداشت محصول فراوانشان، خود را مدیون تیشتریا، فرشته مسئول آب، می پنداشتند. آن ها بر این باور بودند که تیشتریا با دیو خشکی مبارزه می کند و با شکست دادن او، آب فراوانی برای مزارع و باغات آنان فراهم می آورد. از سوی دیگر، افسانه، آرش کمانگیر را باعث فراوانی آب قلمداد می کند. باور بر این است که تیر آرش اختلاف مرزی بین ایران و توران را حل کرد و به بی آبی پایان داد. اینکه آیا شباهت نام «تیر

ماه»، که جشن تیرگان در آن برگزار می شود و کلمه «تیر» ربطی به استناد ذکر شده در افسانه دارد، معلوم نیست.

جشن تیرگان (۱۳ تیر یا ۲، ۳ یا ۴ ژوئیه) معمولاً در نزدیکی رودخانه ها و دریاچه ها برگزار می شود. در طول جشن، شرکت کنندگان به یکدیگر آب می پاشند. در مراسمی به نام «تیر و باد» با استفاده از رشته هائی با رنگ های رنگین کمان مچ بند می بافند و به مدت ده روز از آن استفاده می کنند. سپس آن رشته ها را یا در آب می اندازید و یا به روی پشت بام برده به باد می سپارند. امید آنها بر این است که آب یا باد، آرزوهایشان را به جایی که حاجت ها برآورده می شود خواهند رسانید.

در یک عمل مشابه، افراد یک مورد از خود را، مانند یک حلقه، در کوزه ای که توسط دختر جوانی به خانه های شرکت کنندگان می آورد می اندازند. پس از جمع آوری تمام موردها، دختر کوزه را با پارچه ای سبز رنگ می پوشاند و در پای درختی همیشه بهار می گذارد. در روز جشن، در میان شعرخوانی که به وسیله زنان مسن انجام می گیرد، کوزه را باز می کنند و برخی از موردها را بیرون می آورند. صاحبان اقلامی که بیرون آورده می شوند کسانی هستند که آرزوهایشان برآورده می شود.

## مهرگان

مهرگان معمولاً به عنوان رقیب نوروز شناخته می شود. این یک جشن نامگذاری است<sup>۲۸</sup> که به ایزد مهر اختصاص دارد. مهرگان نیز، مانند عید نوروز، با اشتغال اقوام ایرانی به کشاورزی بستگی دارد. از این رو، ایرانیان در هنگام برداشت محصول، به ایزد نگهبان مزارع سبز و فراوانی ادای احترام می کنند.

## سده

سده یک جشن نیمه زمستانی است که تقریباً ۵۰ روز قبل از نوروز در (۱۰ بهمن یا ۳۰ ژانویه) برگزار می شود. در واقع سده (از صد) نامیده می شود، زیرا از آن وقت تا نوروز ترکیبی از صد شب و روز باقی مانده است. جشن سده با آتش افشانی و افروختن آتش روی پشت بام ها برگزار می شود و با یک گرد هم آئی خانوادگی ختم می شود. همانطور که چهارشنبه سوری جشن های نوروزی را آغاز می می نماید، سده فصل کشاورزی و باروری را آغاز می کند.

شب یلدا (جشن بلندترین شب)، چله بزرگ (چهل روز قبل از سده) و چله کوچک (بیست روز، یعنی بیست روز و بیست شب)، همه به طریقی مصادف با سده هستند. این که آیا این

جشن‌های همزمان با سده بر شکوه و جلال سده می‌افزایند یا آن را کاهش می‌دهند، جای حدس و گمان است.

## در پایان

همانطور که در طی این مقاله کوتاه در مورد نوروز توضیح داده شد، در اوایل دوران اسلامی، سیاستی نادرست و عقیم برای کاهش، و در نهایت تعلیق اجزای جشن نوروز، به خصوص «چهارشنبه سوری»، «خواجه پیروز»، «هفت سین» و «سیزده بدر» اتخاذ شد. مدار بر این قرار گرفت که از بین بردن اجزاء نوروز تدریجاً از عظمت جشن خواهد کاست و در نهایت جشن نوروز معنی و مفهوم باستانی خود را از دست خواهد داد. بر اساس این سیاست نابخرد و نانوشته، از آن زمان تاکنون اقداماتی برای کنار گذاشتن چهارشنبه سوری که آغازگر نوروز و سیزده بدر، که به نوروز خاتمه ای در خورمی بخشد، انجام گردیده و آن جشن واره ها را تا اندازه ای کم رنگ کرده است.

اما، بدون شک، حمله واقعی به مرکز اصلی نوروز یعنی «هفت سین» بوده است. این سفره ساده، و هفت مورد خاص آن، از چندین سو مورد حمله قرار گرفته اند. یکم، همانطور که گفته شد، هویت حرف «س» مورد تردید قرار گرفته و حرف های «ش» و «میم» وارد گفتار در باره «هفت سین» شده اند. دوم، اقلامی جعلی و گمراه کننده به عنوان جایگزین برای هر مورد از هفت مورد معین «هفت سین» معرفی شده و اغلب نیاز به خوراکی بودن مطلق اقلام نا دیده گرفته شده. سوم، انبوهی از تعبیر نامربوط و بی جا برای هر مورد جعلی تحمیلی در ادبیات مربوط به «هفت سین» وارد گشته.

در ازمنه قدیم، به علت بی سوادی توده مردم، سیاست ذکر شده در بالا مثر ثمر بوده. اما این روزها، به دلیل آگاهی بیشتر مردم، به ویژه به خاطر آشنائی نسل جوان با تکنولوژی بروز، این سیاست مخرب با مقاومت مواجه شده. سرسختی نسل جوان علت دیگری نیز دارد. آن ها تقلاً می کنند بین اعیاد اسلامی و جشن های ایرانی توازن به وجود آورند و مانند اجداد خود نوروز را قربانی اعیاد اسلامی نکنند.

در اوایل دوره اسلامی، سرنوشت سایر جشنواره هائی که در بالا مورد بحث قرار گرفتند نیز تعیین شد و مقرر گردید که سرنوشت آن ها به دست پویائی تغییر در جامعه رو به رشد ایران واگذار گردد. تصور بر این بود که شهرنشینی روزافزون جامعه به تدریج پیوند باستانی بین جامعه های کشاورزی را از بین خواهد برد و شهر نشینان که دست اندر کار امور شهری خود خواهند بود، تمایلی به پیوندی محکم با کشاورزان نخواهند داشت. اما، همان طور که گفتیم، این روزها مردم به ضرورت تقویت پیوند بین مرکزهای شهری و جامعه های روستائی واقف شده اند. به ویژه جوانان به ضرورت پویا نگه داشتن تعامل بین کشاورزی و صنعت توجه خاص پیدا کرده اند. بدون شک، در آینده به شکوه و حشمت همه این جشن ها افزوده خواهد شد.

امید است بتوان این توجه و آگاهی روزافزون را از طریق مقالات، نمایشنامه ها و ترانه ها تداوم و وسعت بخشید و نه تنها به ایرانیان، بلکه به شهروندان دهکده جهانی آگاهی رسانید که خطری پنهانی در کمین این میراث باستانی و منحصر به فرد ایرانیان است.

## پاورقی ها

- ۱ بویس، ۱۹۸۲، ص ۱۷۲-۱۷۵.
- ۲ صفا، ۱۹۹۲، ص. ۲۹۲؛ برای رابطه بین نوروز و مهرگان، ر.ک. سودآور، ۱۳۸۲، ص. ۱۱۴. برای رابطه بین نوروز و راپیثوین ر.ک. هینلز، ۱۹۳۶، ص. ۳۶.
- ۳ ایرانی هائی که پس از حمله اعراب و بعداً مغول ها، ایران را به مقصد هند ترک کردند.
- ۴ هینلز، ۱۹۷۹، ص. ۵۹.
- ۵ ایرانیان دو نکته فرهنگی از اعراب به عاریت گرفته اند: یکی الفبای آنها می باشد و دیگری مبداء تاریخشان. برای نکته اول، آنها چهار حرف به الفبای عربی افزوده اند تا صداهای فارسی را قابل نوشتن گردانند. در عین حال، تعدادی از صداهای عربی که در فارسی مورد استفاده ای ندارند را حفظ کرده اند. الفبای ایجاد شده به نام الفبای فارسی مبتنی بر عربی معروف است. برای نکته دوم، هجرت پیامبر از مکه به مدینه را به عنوان نقطه شروع تاریخ خود پذیرفته اند، و با این کار قرن ها تاریخ واقعی و همچنین ثروتی هنگفت از زمان اسطوره ای خود را رها نموده اند (ر.ک. تقویم مسیحی که با تولد مسیح آغاز می شود). بنابراین، هر دو گاه شماری متداول در ایران کنونی (شمسی و قمری)، گاه شماری های اسلامی هستند. در دوران حکومت پهلوی، تلاش شد تا سال ۲۵۳۵ جایگزین سال ۱۳۵۵ گردد، اما به دلیل سوء مدیریت و عدم ثبات رژیم پهلوی، این جایگزینی ثباتی نیافت. از آنجائی که نقطه آغاز این تقویم مصادف با تاجگذاری کوروش بزرگ، بنیانگذار امپراتوری ایران بود، چنین تقویمی یک تقویم ایرانی می شد.
- ۶ احمدوف، ۱۹۸۴، ص. ۴۱-۴۲.
- ۷ هیکس، ۱۹۷۹، ص. ۱۲۱-۱۲۲.
- ۸ خیام، ۱۹۶۵، ص. ۲۷.
- ۹ هینلز، ۱۹۷۹، ص. ۹۷. همچنین ر. ک. به ویلبر، ص. ۸۴. ۱۹۸۹.
- ۱۰ خیام، ص ۲۲-۲۵.
- ۱۱ دارمستتر، ص. ۴۸-۱۳۱.
- ۱۲ هدایت، ۱۳۴۳، ص. ۱۴۹-۱۵۱.
- ۱۳ هدایت، ۱۹۶۴، ۱۵۱-۱۵۲.
- ۱۴ هدایت، ۱۹۶۵، ص. ۱۸.
- ۱۵ استفاده از کف اطاق طریق سنتی است. از آن جا که صحنه ها بزرگتر شده اند و بیشتر و بیشتر از فضاهای عمومی استفاده می شود، محوطه روی میز جایگزین کف اطاق شده. گاهی اوقات از چندین میز با اندازه های مختلف برای سفره استفاده می شود به طوری که اقلام مهم تر، مثل «هفت سین»، روی میزهای بلند تر و بالاتر قرار می گیرند.
- ۱۶ فهرست ارائه شده در این بخش، فهرستی پرترفدار است که اهالی به طور عموم از میان آن هفت مورد را برای قرار دادن در سفره خود انتخاب می کنند. با این حال، گذشته باستانی «هفت سین» حکم می کند که از هفت مورد خاص برای این منظور استفاده شود. برای اطلاعات بیشتر قسمت زیر را مطالعه کنید.
- ۱۷ این توضیحات رایج حدس و گمان محض هستند. برای توضیح صحیح تر در مورد «هفت سین» و معنای اقلامی که باید روی سفره قرار بگیرند، به ادامه مطلب مراجعه کنید.
- ۱۸ دونالدسون، ص. ۱۲۳-۱۲۰؛ هدایت، ۱۹۶۴، ص. ۱۵۲-۱۵۴.
- ۱۹ برای اینکه چرا «ش» نمی تواند حرف مناسبی برای «هفت سین» باشد، به ادامه مطلب مراجعه کنید.
- ۲۰ برای دلیل اینکه چرا این تفاسیر قابل قبول نیستند، به ادامه مطلب مراجعه کنید. برخی از این تعبیر می توانند متعلق به برخی از جشن های دیگر، مانند جشن مهرگان که ایرانیان باستان برگزار می کردند، باشند.
- ۲۱ همچنین نگاه کنید به انقطاع، <http://hagheghat.persianblog.ir/post/257/>

- ۲۲ کیان یا کیانیان سلسله اساطیری ایران باستان است. ذکر آن گواه قدمت کهن جشن نوروز است. برای جزئیات بیشتر رجوع کنید به بشیری ۱۳۹۱، ص. ۴۵-۱۱. این شعر در طول زمان شکل های دیگری نیز به خود گرفته که احتیاجی به توضیح دادن آن ها نیست.
- ۲۳ «شایه» به معنی میوه آمده است.
- ۲۴ شکل کوتاه دستورخان (یا دسترخان) است. این کلمه در تاجیکستان برای سفره به کار برده می شود.
- ۲۵ توجه داشته باشید که برخی از مواردی که نباید در «هفت سین» قرار بگیرند، می توانند روی سفره عید قرار داده شوند.
- ۲۶ هینلز، ۱۹۷۹، ص. ۱۱۰.
- ۲۷ کنی، ۲۰۱۲، ص. ۸۸؛ هدایت، ۱۳۴۳، ص. ۱۵۴.
- ۲۸ در تقویم زردشتی نام روزها و ماه های سال به خدایان اهدا شده بودند. وقتی نام ماه و نام روز مطابق می شدند، آن روز را جشن می گرفتند.

### مآخذ

- احمدوف، ر. «نوروز نوما»، دایره المعارف شوروی تاجیکستان، ج. ۵، ۱۹۸۴.
- بهار، محمد تقی. تنها آثاری از ایران قدیم، یا روز نوروز، بهار و ادب فارسی ۲، ۱۹۴۲.
- بشیری، ایرج. ایران باستان: کیهان شناسی، اساطیر، تاریخ، کاکنلا، ۲۰۱۲.
- بشیری، ایرج. طومارهای نوروزی، بنیاد بین المللی باربد، ۲۰۰۴.
- بیرونی، ابوریحان. آثار الباقیه، و/ت. م محقق، ۱۹۷۳.
- بویس، مری. تاریخ زرتشتیان: در زمان هخامنشیان، بریل، ۱۹۸۲.
- براون، ای، ج. در میان ایرانیان، ۱۸۹۳، ص. ۲۵۶-۲۳۱.
- دارمستتر، جیمز. «وندیداد»، زند اوستا (ویرایش ماکس مولر)، انتشارات مطبوعاتی گرین وود، ۱۹۷۲.
- دونالدسون، بس آلن. اسفند، مطبوعات آرنو، ۱۹۷۳.
- اقبال، فرشید وساندرا مونی. نوروز و اعیاد دیگر در ایران، چاپ و نشر اقبال، ۱۹۹۶.
- انقطاع، ناصر. <http://hagheghat.persianblog.ir/post/257/>.
- اقبال، عباس. «نوروز ملی و ادبی قومی»، یادگار ۸/۱، ۱۹۴۵ م.
- فقیری، ابوالقاسم. «نوروز در فارس»، فروهر ۱۸، ۱۹۸۳.
- فورمن، لورا. "اسکندر فاتح: داستان حماسی پادشاه جنگجو"، انتشارات داکاپو، ۲۰۰۴.
- غنی، قاسم. «ادب و عادت عید نوروز»، یاد داشتهای دکتر قاسم غنی، چاپ. س. غنی، ج. ۱۰، ۱۹۸۳، ص. ۵۸۲-۹۲.
- حبیبی آزاد، ناهید. کتاب نمای نوروز، کتاب ماه ۵/۱، بهمن ۱۹۹۹.
- هدایت، صادق، نیرنگستان، تهران، ۱۳۳۱.
- هدایت، صادق، توپ مرواری (ویرایش ایرج بشیری)، انتشارات مزدا، ۱۹۸۶.
- هیکس، جیم. ایرانیان، شرکت تایم لایف یوکز، ۱۹۷۹.
- هینلز، جان آر. "مطالعات میترائی: مجموعه مقالات"، انتشارات دانشگاه منچستر، ۱۹۷۵.
- جلالی، یاسمن و مرجان زمانیان. بزرگداشت نوروز: سال نو ایرانی، انتشارات سامان، ۲۰۰۰.
- خیام، عمر. نوروزنامه، نشر چشمه، ۱۳۷۹.
- کنی، کارن لاجانا. ایران، شرکت انتشارات ابدو، ۲۰۱۲.
- مری، جوزف دبلیو و جری ال باکراک. "تمدن اسلامی قرون وسطی: ل-ز، نمایه"، تیلور وفرانسیس، ۲۰۰۶.

- موریر، جیمز. سفری از طریق ایران، ارمنستان و آسیای صغیر، به قسطنطنیه، در سال های ۱۸۰۸ و ۱۸۰۹، ۱۸۱۲.
- نعمتوف، ن. و اهراروف، ر. «نوروز» دایره المعارف شوروی تاجیکستان، ج. ۵، ۱۹۸۴.
- صفا، ذبیح الله. گنج سخن، ج. ۱، انتشارات امیر کبیر، ۱۹۹۲.
- شهبازی، شاپور. "هفت سین"، دایره المعارف ایرانیکا، ج. ۱۱، ۲۰۰۳.
- سودآور، ابوالعلا. هاله پادشاهان: مشروعیت و اعمال الهی در پادشاهی ایران، انتشارات مزدا، ۲۰۰۳.
- ویلیبر، دونالد ن. تخت جمشید: باستان شناسی پارسا، چاپ داروین، ۱۹۸۹.
- ویلسون، اس. جی. زندگی و آداب و رسوم ایرانی، ویرایش دوم، ۱۸۹۶.
- یارشاطر، احسان. «نو روز: جشن های سال نو در ایران»، ایران ریویو ۴، مارس ۱۹۵۹.

